

Analysis of Secrecy in the Teachings of the Ahl al-Bayt (AS) and the Consequences of Its Breach and Disclosure¹

Maryam Esma'ili^{*} Ali Mowahediyani Attar^{**}

Mohammad Hoseyn Irandust^{***} Mohammad Ghafurinejad^{****}

(Received: 26/02/2019; Accepted: 07/10/2019)

Abstract

The Pure Imams (AS) are the bearers of the divine secrets that have been ordered to be hidden due to the differences in the capacity of individuals. In the narrative texts, there are recommendations about the necessity of *taghiyyah* (precautionary dissimulation) and concealment, and also there are allusions to the use of hints, gestures and cryptography on religious issues. In the teachings of the Imams (AS), there is a strong emphasis on the application of these methods in scientific and religious interaction with others, as well as the obligation to classify facts at the time of explaining religious teachings. This article examined the words of Ahl al-Bayt (AS) (The Household of the Prophet) about this principle and has come to the conclusion that the Shiite Imams have introduced the principle of concealment of secrets in order to preserve and classify religious secrets and teachings and thus to protect the religious community. Secrecy is the core of a strategy designed to protect the audience's faith and to avoid harming their beliefs in the face of teachings they do not have the capacity to understand; in such a way that not taking care of this principle will have irreparable consequences.

Keywords: Secrecy, Shiism, Taqiyyah (Precautionary Dissimulation), Divine Secrets, Ahl al-Bayt (AS) (The Household of the Prophet).

1. This article is taken from: Maryam Esma'ili, " The Principle of Concealing Secrets ", 2019, PhD Thesis, Supervisor: Ali Mowahediyani Attar, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), nme724@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran, dr.ali.attar@gmail.com.

*** Associate Professor, Department of Philosophy, Islamic Azad University, Qom, Iran, moho_irandoost@yahoo.com.

**** Associate Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, ghafoori_n@yahoo.com.

واکوی کتمان سرّ در آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) و پیامدهای هتک و اذاعه آن

مریم اسماعیلی*

علی موحدیان عطار** محمدحسین ایران‌دوست*** محمد غفوری نژاد****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵]

چکیده

ائمه اطهار (علیهم‌السلام) حاملان اسرار الاهی‌اند که به دلیل اختلاف ظرفیت انسان‌ها، به کتمان‌شان سفارش شده‌اند. در متون روایی، توصیه‌هایی درباره لزوم تقیه، کتمان و اشارت‌هایی در بهره‌گیری از ایماء، اشاره و رمزگویی در باب مسائل دینی دیده می‌شود. در آموزه‌های ائمه (علیهم‌السلام)، تأکید بلیغ بر کاربرد این روش‌ها در تعامل علمی و دینی با دیگران و نیز التزام به طبقه‌بندی حقایق، به وقت تبیین تعلیمات دینی وجود دارد. این نوشتار سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) درباره این اصل را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که امامان شیعه برای حفظ و طبقه‌بندی اسرار و معارف دینی و در نتیجه برای محافظت از جامعه ایمانی، اصل کتمان سرّ را مطرح کرده‌اند. کتمان سرّ، اصلی راهبردی است که به منظور حفاظت از ایمان مخاطب و احتراز از آسیب به اعتقاد آنها در مقابل معارفی که ظرفیت درک آن را ندارند، تحقق یافته است؛ به گونه‌ای که مراقبت‌نکردن از این اصل نتایج جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: کتمان سرّ، تشیع، تقیه، اسرار الاهی، اهل بیت (علیهم‌السلام).

۱. برگرفته از: مریم اسماعیلی، اصل کتمان سر، استاد راهنما: علی موحدیان عطار، رساله دکتری شیعه‌شناسی، دانشکده شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۷.

* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) nme724@gmail.com

** استادیار گروه ادیان و عرفان، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران dr.ali.attar@gmail.com

*** دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران moho_irandoost@yahoo.com

**** دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران ghafoori_n@yahoo.com

مقدمه

مختصر تفحصی در سنت و تعالیم امامان شیعه علیهم‌السلام ما را با مطالبی روبه‌رو خواهد کرد که در آن از لزوم کتمان سرّ یا اجتناب از اذاعه^۳ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۲/۲) و هتک^۴ (صفر، ۱۴۰۴: ۱/۲۸) اسرار سخن رفته است. این آموزه از آن جهت ضرورت یافته که از انتشار دانش‌ها و علومی جلوگیری کند که ائمه شیعه علیهم‌السلام در مقام حفظ آن بودند و اطلاع از آن برای همگان جایز نبوده است. کتمان سرّ، در خصوص معارفی است که مخاطب از درک آن عاجز باشد یا آموزه‌های باطنی‌ای که بر مخاطب ثقیل بوده و تعلم آن، به تحقق شرایط خاص فکری و عملی منوط است. اهمیت توجه به این و مراعات آن تا بدانجا است که در برخی روایات، کسانی که به این اصل پای‌بند نباشند، تهدیدی جدی برای اهداف اولیای دین شمرده شده‌اند.

به نظر می‌رسد اگر مفهوم‌شناسی اصل کتمان سرّ با توجه به مکتب امامان شیعه به صورت دقیق اتفاق بیفتد، ظرفیت گسترش شیعه در تعامل درونی و بیرونی بیشتر می‌شود، و مشکلاتی که در نتیجه مراعات‌نکردن این اصل پیش می‌آید، کمتر می‌شود. همچنین، بسیاری از اتهامات به شیعه و سوءبرداشت‌ها از احکام و قوانین مطرح در شیعه، پاسخ داده خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

۱. سرّ

در کتب لغت «سین و راء» بر پنهان‌داشتن چیزی آمده و آنچه پنهان شده است، تماماً پنهان می‌ماند. «سرّ» برخلاف اعلان و آگاه‌اندن است. گفته می‌شود: «چیزی را در پرده داشتی، رازهایی برخلاف اینکه آن را آشکار کنی و از باب راز و پوشیدگی نکاح است و چنین نامیدنی، از آن‌رو است که نکاح امری است که آشکار نیست» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۶۷). «سرّ» آنچه پنهان داشتی است و سریره: عمل رازداری از خوبی و بدی است و گفته می‌شود: رازداری او بهتر از فاش‌کردنش است. اسررته: کتمان‌ش کردم» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۲/۸۱۱).

واژه «سرّ» در اصطلاح روایات به دو معنای عام و خاص مطرح شده است. از محمد بن مسلم نقل شده: «از امام صادق علیه‌السلام از قول خدای عزوجل که می‌فرماید: «یعلم السرّ و

أخفی» (طه: ۲۷) پرسیدم. فرمود: «راز آن چیزی است که در جانت پنهان می‌کنی و اخفی چیزی که به ذهنت خطور می‌کند، سپس آن را فراموش می‌کنی»^۵ (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳: ۱۴۳). ابن ابی‌الحدید معتزلی نیز در شرح نهج‌البلاغه می‌گوید:

سرّ دو نوع است: یکی آنکه سخنی به انسان گفته می‌شود و از او خواسته می‌شود پنهانش دارد و این کتمان یا در لفظ است، ... یا در حالت است ... نوع دوم سرّ، که خود به دو نوع تقسیم می‌شود: اول اینکه سخنی در تو است که انتشار آن امری ناشایست است و دوم امری که می‌خواهی انجامش دهی. در نوع اول سخن پیامبر را ذکر می‌کنیم. فرمودند اگر چیزی از این زشتی از جانب شما سر زد، آنها را به واسطه حجاب خداوند بزرگ باید پنهان دارید؛ و در مورد دومی وقتی کسی از روی سستی امری را قبل از بازگردد احکامش اطلاع بدهد. پنهان کردن نوع اول سرّ از روی وفاداری، خاص عوام مردم است و کتمان نوع دوم راز، از روی جوانمردی است که مخصوص پادشاهان و سیاست‌مداران است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۷۷-۱۷۸).

در این روایات به معنای عام «سرّ» اشاره شده است. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام معنای «سرّ»، امر اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است^۶ (صفار، ۱۴۰۴: ۲۸/۱)، به طوری که این حقیقت پرده‌ها به خود گرفته و در آن پوشیده شده است^۷ (همان). در روایتی آمده است: «مردی به امام صادق علیه السلام نامه نگاشت و درباره علمی که برایش سودمند باشد، پرسید. امام پاسخ داد: سخن ما سخن باعظمت و بیم‌دهنده است. اگر در خود تحمل دریافت سخن ما را می‌بینی، پس با ما مکاتبه کن»^۸ (همان: ۲۳). مفهوم روایت آن است که همه انسان‌ها چنین تحملی ندارند و در نتیجه همه سخنان اهل بیت علیهم السلام برای همه سودمند نخواهد بود. بنابراین، باید خود را در مسیر بهره‌گیری آن دسته از سخنانی قرار دهند که تحمل درک آن را دارند.

امام صادق علیه السلام از جمله اوصاف سخن اهل بیت علیهم السلام را عظمت‌داشتن و بیم‌دهنده بودن برمی‌شمرند که نشان از باطنی بودن حقایقی است که همگان توان درک و تحملش را ندارند. به عبارتی، اظهار علوم و اسرار الاهی جز برای انسان‌های کاملی چون سلمان و کمیل جایز نیست (مجلسی، ۱۴۰۶: ۴۶۴/۵). «در اشارات امام علی علیه السلام آمده، منظور از سرّ علمی است که تنها ائمه علیهم السلام در جایگاه و مقام حفظ و نگه‌داری آن هستند و اظهار این

علم برای همگان جایز نیست، مگر برای کسانی که تحمل حفظ اسرار را دارند؛ چراکه عموم مردم این توانایی را ندارند» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۳۰۳/۲). بنابراین، توجه به توانایی مخاطب در میزان مطرح کردن علوم و معارف برای او لازم است. این معنا از «سرّ» به معنای خاص «سرّ» در اصطلاح اشاره دارد.

بنابراین، در روایات شیعه، «سرّ» گاهی در معنای عام به کار می‌رود و آن چیزی است که گفتنش طبق مبنای عقلی یا اخلاقی یا به خاطر مصلحت جایز نیست، اعم از اینکه کسی آن را به امانت نهاده باشد، یا خود فرد احساس کند که امانتی نزد او است یا اینکه افزایش آثار نامطلوبی برای مخاطب داشته باشد. گاهی نیز «سرّ» در معنای خاصش مد نظر است؛ حقیقتی که فرد باید در تحمل آن دقت مضاعف داشته باشد و چون درک همه انسان‌ها از این حقایق باطنی یکسان نیست، لازمه‌اش کتمان است.

۲. کتمان

«کتمان»، نقیض «اعلان» است (ازهری، ۱۴۲۱: ۹۰/۱۰)؛ به معنای پنهان‌داشتن و پنهان‌کردن است و به اموری مانند سخن، راز یا احساسات و عواطف تعلق می‌گیرد. برخی گفته‌اند «کتوم» وصفی است برای «ماده‌شتری که هنگام نشستن بانگ برنارد» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۵۵۵/۳)؛ «کاتمه و کتوم کمان از چوب ناشکافته یا کمانی که وقت تیرانداختن صدا نکند». «کتوم» اسم کمان پیامبر بوده و به جهت صدای آهسته هنگام ره‌اشدن، این‌گونه نامیده شده است (همان). در مجموع، از تعاریف واژه‌های فوق می‌توان گفت پنهان‌کردن، یکی از مؤلفه‌های واژه «کتوم» و مشتقات آن است.

در روایات شیعه نیز، به گونه‌های مختلف به بحث کتمان پرداخته شده و بر اساس متعلق آن به ممدوح و مذموم تقسیم شده است. برخی آن را گاه ممدوح می‌دانند (صفار، ۱۴۰۴: ۲۱/۱-۲۹) و عده‌ای آن را در مواقع خاص، مذموم تلقی می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۷۲). با این اوصاف، فهم صحیح و دقیق کتمان بسیار مهم تلقی می‌شود.

متعلق کتمان

بررسی «متعلق کتمان» در روایات و توجه به آن و نیز انباشتگی این دلایل، در روشن شدن «معنای کتمان» کمک می‌کند. برخی امور که در روایات بر کتمان آن تأکید شده، به قرار زیر است:

الف. فضایل اهل بیت علیهم السلام فضایل اهل بیت علیهم السلام و حدیث غدیر از جمله رویدادهای مهمی است که از کتمان آن نهی شده و در این پژوهش به آنها استشهاد شده است (قمی، ۱۴۱۴: ۴۴۰/۷). این مصداق نشان می‌دهد گاه واقعه‌ای که در بستر تاریخی‌اش عمومی اعلان می‌شده، در نظام اجتهادی اسلام، در مقطعی از حیات فکری‌اش به پدیده‌ای تبدیل می‌شود که به کتمان آن امر شده است. در نظر گرفتن اقتضانات زمان و مکان و تشخیص موضوعی ائمه علیهم السلام درباره اموری که انگیزه‌های کافی برای تحریف و ایجاد تفسیرها و تأویل‌های متعدد درباره آن وجود دارد، از دلایل این کتمان است. اما این کتمان چون در نظام اجتهادی و به دور از پیش‌بینی تجربی صرف است و عوامل عقلی و وحیانی به کمک فهم راهبردهای آن آمده، در هماهنگی با هدف حکومت اسلامی عمل کرده و در زمان و مکان خاص، سبب اعلان فضیلت اهل بیت علیهم السلام در جریان تاریخ قرار می‌گیرد.

ب. علم: از دیگر اموری که کتمان آن نهی شده، علم است، در جایی که اهلیت آن وجود ندارد. در نگاه حضرت علی علیه السلام عالم سخنوری که دانش خود را به کار می‌بندد، یکی از گروه‌هایی است که برپایی دین به آن بستگی دارد؛ می‌فرمایند: «اگر عالم، دانش خود را کتمان کند، جهان و دنیا به عقب (به مراتب پایین‌تر) برمی‌گردد؛ در این حال آمار بالای مساجد و رفت و آمد فراوان مردم در آن زمان، شما را نفریید»^۹ (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲: ۱۹۷/۱). کتمان نکردن علم در جایی که باید آن را اظهار کرد، تا بدانجا اهمیت دارد که نتیجه مخفی کردن علم را محسورشدن با افساری از آتش بیان کرده‌اند^{۱۰} (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲/۲) و نتیجه کتمان علما را افزایش سختی و بزرگ‌شدن عقاب دانسته‌اند^{۱۱} (همان). در باب اظهار علم، نکته مهمی که بر آن تأکید شده، توجه به شأنیت وجوب اظهار علم یا کتمان آن است. بنابراین، اگر علمی که آشکارکردنش برای هدایت بشر لازم است کتمان شود، وعده آتش داده شده است.

از طرفی روایاتی هستند که در باب وجوب کتمان سخن می‌گویند. جمع این دو روایت، این است که کتمان علم از اهلش و از کسانی که آن را انکار نمی‌کنند و خوف ضرر هم نیست، مذموم است. علمی که اظهارش واجب است، در حالتی که مخاطب به دلیل ضعف عقلی نپذیرد باید کتمان شود؛ چراکه در غیر این صورت نفهمیدن حقیقت یا انکار آن و نیز سرگردانی مستمع از شنیدن مطالب حق، نتیجه خواهد داد.

بنابراین، باید به اندازه عقول سخن گفت (قمی، ۱۴۱۴: ۴۴۰/۷). روایات در باب کتمان علم ما را به نوعی جامعه‌شناسی معرفت توجه می‌دهد که مد نظر معصومان بوده است. ایشان با مرتبه‌بندی میزان آگاهی در طیف‌های مختلف مردمی، کتمان در باب برخی علوم را نیز راهبردی مهم برای حکومت اسلامی دانسته و در روایات با واژه «اهلیت» به طبقه‌بندی مخاطبان و علوم رفتاری امروزی، که مسئله مهمی در جمع بین نظر و عمل است، اشاره کرده و به مقصود خود پرداخته‌اند.

ج. مجالس و سخنان دیگران: گاهی کتمان امری حق، رنگ اخلاقی پیدا می‌کند؛ با توجه به آن، بسیاری از اختلافات به وجود نخواهد آمد، و بی‌توجهی به آن، باعث رخداد اختلافات و کینه‌ها خواهد شد؛ چراکه مجالس، امانت است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۶۰/۲) و افشای سرّ برادران مؤمن خیانت است^{۱۲} (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۵/۱). در این باره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «هر گاه مردی سخن می‌گوید و می‌رود، آن سخن امانت است»^{۱۳} (نهج‌الفصاحه، ح ۱۹۷، ۵۹). این روایات که تأکید بسیار بر ایجاد حس امانتداری کلامی در میان جمع مردم است، نشان‌دهنده اصالت فرد و اصالت جامعه توأمان در جامعه اسلامی است، به طوری که بر اساس این راهبرد، اسلام، ترقی جامعه بر اساس تخریب شخصیت افراد را نمی‌خواهد و معصومان علیهم‌السلام با مطرح کردن کتمان سخنان مؤمنان، بر هم‌پوشانی جامعه بر افراد تأکید داشته‌اند. از این منظر، ایجاد انحراف در سخنی از افراد جامعه ایمانی به مثابه ایجاد انحراف از نظام فکری جامعه اسلامی است.

د. عیوب مؤمنان: مجلسی با توجه به روایات، کتمان را، در زمینه عیوب مؤمنان و اسرارشان مطرح می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴/۱). این روایت نسبت به آنچه ذکر شد، صراحت بیشتری بر دیدن فرد در ضمن اجتماع یا توجه به شئون انسان اجتماعی دارد. لذا کتمان عیوب مؤمنان راهبردی است اجتماعی که خوداصلاحگر است و پالایش خود را از درون خود محقق می‌کند. تمامی این راهبردها، که از اصل کتمان گرفته شد، معناداری خود را در نظام اجتهادی اهل بیت علیهم‌السلام می‌یابد؛ نظام اجتهادی‌ای که توجه به زمان و مکان و متغیرات امور اجتماعی را با حفظ اصول عقاید و امور کلامی خود همراه کرده است.

۳. کتمان سرّ

در مجموع آنچه درباره کتمان و نیز سرّ گفته شد، مراد از «کتمان سرّ» پوشاندن آن

چیزی است از کسی که اهلش نیست و از کسی که آن را نهان نگه نمی‌دارد و فاش می‌کند (همان: ۲۸۱/۶۴-۲۸۲). بنابراین، هر چیزی که از حیث عقلی یا عرفی لازم است پوشیده شود و برای فرد یا جامعه افشاشدن یا انتشارش فایده نداشته، یا حتی ضرر داشته باشد، سرّ تلقی می‌شود و کتمانش وظیفه فرد است. این کتمان اصلی راهبردی است که متوجه شئون متغیر انسان تاریخی و اجتماعی است و به شکوفایی این انسان و بسط کمالی او به نحو فردی و اجتماعی در حکومت اسلامی نظر دارد.

آثار وضعی و ضمنی کتمان سرّ

آموزه‌های دینی به دلیل اینکه به طبیعت انسان و جامعه توجه دارند، در صورت انجام، تأثیر خاص خود را بر فرد و در نتیجه بر جامعه خواهند داشت؛ در مقابل، ترک آن نیز بر فرد و جامعه تأثیراتی می‌گذارد که گاه جبران‌ناپذیر است یا ناممکن خواهد بود. کتمان سرّ نیز از این قضیه مستثنا نیست؛ هم توجه به آن و هم غفلت از آن، هر دو، باعث تأثیراتی بر فرد و جامعه خواهد بود. در ادامه، به برخی از این امور اشاره می‌کنیم.

• کتمان سرّ: کلید محرم اسرار امام شدن

یکی از درجاتی که آرزوی مؤمنان است این است که محرم سرّ امام خود باشند، و این در حالی است که ظرفیت پذیرش آن را پیدا کرده باشند. برای رسیدن به این مقام، راه‌هایی وجود دارد که یکی از آنها توجه به اصل کتمان سرّ به عنوان واجب دینی است. پیش‌تر از روایاتی یاد شد که از وجود علمی ویژه و امری خاص نزد ائمه اطهار علیهم‌السلام حکایت می‌کرد، حقایقی که، فهم و پذیرش آن جز برای افراد خاص میسر نخواهد بود^{۱۴} (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۸). ائمه علیهم‌السلام همواره در مقام کتمان جواهر علمشان بر نااهلان بودند و تأکید داشتند که جز برای اصحاب سرّ، اظهار آن جواهر علم جایز نیست (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷: ۵۷/۲). روشن است که داشتن قدرت و مهارت بر کتمان سرّ، موجب دستیابی به مرحله‌ای از ظرفیت روحی، فکری و عملی و سایر ویژگی‌ها (سنخیت، لیاقت و محرم سرّ شدن به عنوان اصحاب سرّ) می‌شود.

از جمله تأثیرات دقت به اصل کتمان سرّ و انجام این وظیفه دینی، قابلیت یافتن فرد در تحمل اسرار امامان است؛ چراکه ظرفیت وجودی را افزایش می‌دهد. «ابوبصیر می‌گوید

به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: چرا درباره معضلات مانند علی علیه‌السلام که با اصحابش سخن می‌گفت با ما حرف زده نمی‌شود؟ حضرت فرمود: در میان شما هم مثل آنها هستند، ولی آنها در دهانشان کلید داشتند. حدیثی بی‌اور که به تو گفته باشم و تو آن را مکتوم داشته باشی»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۴۵/۲۶). اگر به چیزی که شایسته اصل کتمان سرّ است توجه شد، زمینه‌ای فراهم می‌شود که فهم ولایت و ولایت‌پذیری ارتقا یابد که باعث حفظ و ترویج فرهنگ تشیع می‌شود.

مطلب دیگر اینکه در زمان حضور معصوم اصطلاحی به نام «باب معصوم» رواج داشت. باب معصوم کسانی بودند که حکم مدخل به ساحت علوم و اسرار و مقامات معصوم را داشتند و از میان کسانی انتخاب می‌شدند که توانایی کسب بیشترین قرب به معصوم را داشتند؛ رفعت مقام علمی و معرفتی برخی اصحاب آنان را به عنوان محرم اسرار اهل بیت علیهم‌السلام مطرح کرده است. سلمان، رشید هجری، جابر بن یزید جعفی، مفضل بن عمر جعفی، محمد بن سنان و ... از جمله باب‌های ائمه علیهم‌السلام برشمرده شده‌اند (جباری، ۱۳۹۳: ۴۲۲/۲-۴۷۹). اقتضای مقام باب معصوم بودن آن بود که از قدرت خوبی در زمینه کتمان اسرار برخوردار باشند؛ چراکه حفظ اسرار معصوم، غیر از امور خاص، با کتوم‌بودن و زیرکی‌های ویژه آن، ممکن نبود. حفظ ودایع و امانت‌های معنوی و رعایت مصالح در اظهار اسرار نهانی چنین می‌طلبید که باب‌های معصومان علیهم‌السلام از میان معتمدترین شخصیت‌های شیعی برگزیده شوند (همان: ۳۷۳/۱).

• حفظ اسرار موجب عزت و پاداش دنیوی و اخروی

یکی از صحنه‌های زیبای تجارت‌های سخت، رسیدن به پاداش مضاعف است. وادی کتمان هم از این امر مستثنا نیست. از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا» (قصص: ۵۴) «آنان به واسطه اینکه صبر پیشه کردند؛ دو بار پاداش خواهند یافت»، سؤال شد، فرمودند: «به خاطر صبر بر تقیه و برای اینکه با نیکی بدی را دفع می‌کنند». آنگاه فرمود: «حسنه، تقیه‌کردن است و سیئه فاش‌ساختن»^{۱۶} (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۱۷). با توجه به فضای روایت می‌توان گفت اینجا تقیه در معنای عام مراد است که شامل تقیه به معنای خاص (حفظ جان گوینده) و کتمان (حفظ ایمان و عقیده مخاطب) می‌شود و در هر دو باید صبر پیشه کرد.

قرآن کریم عزت را مخصوص خدا و رسول و مؤمنان می‌داند (فاطر: ۱۰؛ منافقون: ۸؛ نساء: ۱۳۹). بنابراین، مؤمنان، عزت واقعی و جاودان را به دست خواهند آورد. یکی از اموری که به تصریح روایت در این سیر به انسان کمک می‌کند، دقت در حفظ اسرار است. کتمان و پنهان داشتن اسرار امام به هر گونه‌ای که باشد، بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام، تضمین‌کننده عزت دنیا و آخرت خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «یا معلی (طوسی، ۱۴۲۸: ۳۷۶-۳۸۲) اسرار ما را پنهان کن و فاش نساز و کسی که امر ما را پنهان دارد، خداوند او را در دنیا عزیز می‌دارد و در آخرت او را نورچشمی‌اش قرار می‌دهد و به بهشت رهنمون می‌کند»^{۱۷} (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۴/۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲۵/۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۲۸۸/۴)، به طوری که «او را در بین مردم عزتمند می‌سازد»^{۱۸} (صفا، ۱۴۰۴: ۴۲۳/۱).

• کتمان اسرار، زمینه تسلط بر امور شخصی

آموزه‌های دینی، علاوه بر ملتزم کردن افراد به دینداری، بستر هدفمند تربیتی را هموار می‌کنند که التزام به آن نه تنها موجب تعالی روح و دینداری است، بلکه موجب افزایش توانمندی انسان در مدیریت نوع زندگی خواهد بود. با حفظ و کتمان سرّ است که انسان اختیار آموزش را خود به دست دارد و می‌تواند آن را مدیریت کند. افسار امور انسان با افشای سرّ به دست دیگران خواهد افتاد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ فِي يَدِهِ؛ کسی که رازش را پنهان دارد، اختیارش در دست خودش است»^{۱۹} (طبرسی، ۱۳۸۵: ۳۲۳؛ قمی، ۱۴۱۴: ۴۳۶/۷).

• تحفظ اسرار سبب گشایش و پیروزی در امور

از دیگر دستاوردهای کتمان سرّ گشایش در امور زندگی، خصوصاً در اوضاع و احوال سخت و دشوار خواهد بود. توجه به اصل کتمان سرّ حتی در این زمینه نیز راهگشا است و آسان‌سازی امور را در پی خواهد داشت. درباره نتیجه حفظ اسرار اهل بیت علیهم السلام و اثر وضعی آن و نیز معرفت حقوق مؤمنان آمده است:

مردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: «ای مولایم! زن و فرزندم و اموالم در شام بود. وقتی از نبود راهزنان و امنیت راه‌ها خبردار شدم خانواده‌ام را به آمدن به اینجا فرا خواندم. آنها خارج شدند. اما راه نامن شد و دزدان سرّ راهشان را

گرفتند. من بر آنها و آنچه با خود دارند می‌ترسم». امیرمؤمنان علیه‌السلام گفت: «چگونه اسرار ما را حفظ کردی؟ آیا آنان را بدون اجازه ما فاش ساختی؟». گفت: «به خدا قسم نه! حتی اگر گردنم را می‌زدند». امام گفت: «چقدر به حقوق برادران مؤمنت آشنایی؟». گفت: «جز در مواردی که از روی نادانی و غفلت بوده، چیزی از آنها را عمداً ضایع نکردم». امام گفت: «اگر در گفته‌هایت صادق بوده باشی، تو را به سلامتی زن و فرزند و اموات بشارت می‌دهم». مرد با خوشحالی خارج شد. فردی او را دید و گفت کاروان خانواده‌ات به سلامت خارج شدند (علوی، ۱۴۲۸: ۵۷).

روایت ناظر به این است که وقتی انسان حتی در اوضاع و احوال بحرانی و سخت، حفظ اسرار و حقایق اهل بیت علیهم‌السلام را وظیفه خود بداند، از اثر وضعی آن در زندگی شخصی‌اش بهره خواهد برد.

مطلب دیگر آنکه، امور زندگی انسان در یک سطح نیست. برخی پیچیدگی خاص دارند و طبیعتاً برای رسیدن به نتیجه درست باید برای آنها برنامه دقیق‌تری تدبیر کرد. از طرفی، در طول انجام‌دادن کار و قبل از رسیدن به نتیجه، نباید اطرافیان را آگاه کرد؛ چراکه گاه با مانع‌تراشی یا مشورت‌های نادرست، یا باعث تأخیر در نتیجه‌گیری می‌شوند یا سبب می‌شوند نتیجه درستی به دست نیاید. از امام علی علیه‌السلام نقل شده است: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ؛ پیروزی در پرتو دوران‌دیشی و تدبیر است و دوران‌دیشی در گرو به کار انداختن رأی است و به کار انداختن رأی در گرو رازداری است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۸). بنابراین، پیروزی منوط به دوران‌دیشی است و آن در گرو به کار انداختن رأی است که خود منوط به حفظ اسرار است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام تأکید شده تا زمانی که کاری تمام و محکم نشده، از مطرح‌کردنش باید برحذر بود؛ چراکه مانع گسترش می‌شود: «إِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَهُ؛ آشکارکردن چیزی که حکمش قطعی نشده، باعث فساد و مفسده در آن کار می‌شود» (برقی، ۱۳۷۱: ۶۰۳/۲).

پیامدهای اذاعه و هتک سرّ

پیامدهای بی‌توجهی به کتمان سرّ فقط به فرد باز نمی‌گردد، بلکه قلمرو گسترده‌ای دارد

و بازتابش هم در شئون دینی و اعتقادی و هم در ساحت فردی و اجتماعی مشهود است. به این معنا که غفلت از اصل کتمان سرّ آثاری بر فرد و جامعه می‌گذارد. بسا افرادی که به دلیل بی‌اطلاعی از پیامدها، به راحتی از کنار این مسئله می‌گذرند، در حالی که با علم به آنها می‌توانند در مهار و جهت‌دهی درست آن دقت بیشتری به خرج دهند. این پیامدها، در گفتار معصومان (علیهم‌السلام) با بیان و لحنی متفاوت دیده می‌شود.

• اذاعه سرّ موجب آسیب به امام و امامت

شیعیان از اینکه ظالمان روزگار ائمه (علیهم‌السلام) در حق این بزرگواران جفا روا داشته‌اند، به مناسبت‌های مختلف و در اشکال گوناگون اظهار تأسف کرده‌اند و همیشه در آرزوی ایجاد زمینه‌ای برای یاری امامان خود بوده‌اند. با اندک تأملی می‌توان دریافت که یکی از این زمینه‌ها، توجه به اصل راهبردی کتمان سرّ است؛ چراکه بی‌توجهی به آن در بعضی موقعیت‌ها آثار زیانباری به شیعه وارد کرده و گاه در مسیر گسترش آن موانع جدی ایجاد کرده است. اهمیت این مسئله تا بدانجا است که امام سجاد (علیه‌السلام) در حدیثی خطاب به ابوحمزه می‌فرمایند: «سوگند به خدا! دوست دارم برای ریشه‌کنی دو خصلت در میان شیعیانم، قسمتی از گوشت بازویم را فدا کنم: یکی، شتاب‌زدگی و بی‌حوصلگی است و دیگری، ضعف در نگه‌داری راز»^{۲۰} (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۱/۲؛ مفید، ۱۳۶۲: ۴۴/۱؛ حلی، ۱۴۲۱: ۲۸۸). علت بیان امام شاید این باشد که هتک اسرار و افشای آن گاهی موجب به خطر انداختن پیکره مذهب و دین می‌شود. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «أمر الناس بخصلتین فضیعوهما فصاروا منهما علی غیر شیء: الصبر والکتمان؛ مردم به دو ویژگی و رفتار دستور داده شده‌اند. پس هر دو را از دست داده و از این دو به چیزهای دیگری پرداخته‌اند؛ آن دو چیز صبر و کتمان است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۱/۲).

هر یک از شیعیان از اینکه بخواهند در قتل امام و مقتدای خود دستی داشته باشند گریزان‌اند؛ اما احادیثی که نتیجه بی‌توجهی به اصل کتمان سرّ را به منزله شرکت عمدی در قتل ائمه (علیهم‌السلام) برمی‌شمرد اغماض‌پذیر نیست و باید بیشتر به آن توجه شود. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «مَنْ أَدَاعَ عَلَيْنَا شَيْئاً مِنْ أَمْرِنَا فَهُوَ كَمَنْ قَتَلَنَا عَمْدًا وَ لَمْ يَقْتُلْنَا خَطَاءً؛ هر کس چیزی از امر ما را علیه ما منتشر کند، چون کسی باشد که عمداً ما را کشته و به خطا نکشته است» (برقی، ۱۳۷۱: ۲۵۶/۱ و ۳۷۱/۲). در حدیث دیگری امام از منتشرکننده احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) برائت جستند^{۲۱} (همان: ۱۸/۱).

• همسانی هتک سرّ با انکار سرّ

بدترین عاقبتی که برای شیعیان وجود دارد، انکار حقایق ایمانی و ولایی است. امام صادق علیه‌السلام هتک‌کننده سرّ را مانند انکارکننده آن می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۲۴؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۵۵). همچنین، فرمود: «هر کس حدیث ما را ظاهر بسازد به منزله کسی است که حق ما را انکار کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۷۰).

• هتک سرّ سبب مشمول لعن امام شدن

شیعیان به دنبال راهی هستند که بیشتر، خود را در مسیر جلب عنایت امام قرار دهند و مشمول دعای خیرشان واقع شوند؛ اما گاه با بی‌توجهی به سفارش‌های معصومان علیهم‌السلام کاری می‌کنند که نه تنها خود را در دایره دعای آن بزرگواران قرار نمی‌دهند بلکه مشمول لعن هم می‌شوند. یکی از آنها هتک اسرار و معارف ایشان است در جایی که نباید، و گفتن آن برای شخصی که نشاید. جابر از نامه امام باقر علیه‌السلام که برای وی نوشتند، می‌گوید: «نامه‌ای را به من داد و گفت: اگر تا زمان هلاکت بنی‌امیه از این نامه سخن بگویی پس نفرین من و اجدادم بر تو است و اگر تو تا بعد از هلاکت بنی‌امیه چیزی از این نامه پنهان بداری پس نفرین من و اجدادم بر تو باد. سپس نامه دیگری به من واگذار کرد و گفت این را بگیر. پس اگر درباره چیزی از این نامه برای همیشه سخن بگویی پس نفرین من و اجدادم بر تو است»^{۲۲} (کشی، بی‌تا: ۱۹۲). با هتک سرّ، نه تنها از دایره ولایت ولی خدا خارج شده است، که مشمول لعن ولی خدا نیز می‌شود. در روایت دیگری نیز امام از کسی که اذاعه حدیث اهل بیت علیهم‌السلام می‌کند براءت می‌جوید (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۱۸).

• اذاعه سرّ زمینه‌ساز شقاوت و هلاکت مادی و معنوی

گاهی افشای اسرار باعث می‌شود فرد در ریخته‌شدن خون بی‌گناهی شریک شود^{۲۳} (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۷۰-۳۷۱). از مفضل بن عمر جعفری درباره نقش کتمان و حفظ اسرار در عزت انسان و نیز تأثیر هتک سرّ در ذلت انسان روایتی نقل شده که نشان می‌دهد در این زمینه باید دقتی مضاعف صرف کرد؛ وی می‌گوید:

روزی که معلی به صلیب کشیده شد، بر ابی‌عبدالله وارد شدم. به او گفتم: «ای

فرزند رسول خدا! آیا این را مصیبتی بزرگ که امروز بر شیعه وارد آمده نمی‌دانی؟». گفت: «چه مصیبتی؟». گفتم: «معلی بن الخنیس». گفت: «خدا معلی را رحمت کند. انتظار چنین چیزی را داشتم؛ چراکه او راز ما را فاش ساخت و آنکه بر ما اعلان جنگ می‌کند، رنج و مشقت از جانب او بر ما بزرگ‌تر از رنج و عذابی که فاش‌کننده اسرار بر ما وارد می‌آورد، نیست»^{۲۴} (طوسی، ۱۴۲۸: ۳۷۰). در میان انواع سرزنش‌ها و عقوبت‌ها، رسواشدن در درگاه الاهی و مشمول سرزنش واقع شدن، بدترین شکل ممکن را دارد. وقتی قومی گرفتار اذاعه و انتشار اسرار شوند، به این عقوبت دچار می‌شوند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «همانا خدا اقوامی را به سبب اذاعه سرزنش کرد، آنجا که فرمود: «هنگامی که خبری از ایمنی و ترس چون پیروزی و شکست به آنان که مردمی سست‌ایمان‌اند رسد، بدون بررسی در درستی و نادرستی‌اش آن را منتشر می‌کنند؛ پس هش دارید از فاش ساختن اسرار»^{۲۵} (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۹/۲-۳۷۰).

• اذاعه سر سبب ذلت انسان

عزت داشتن در جامعه انسانی مطلوب همه افراد بشر است. در این زمینه برخی عوامل در حفظ و تقویت عزت مؤثرند که مؤمنان با تمسک به این عوامل و توجه به آنها به عنوان اصلی در زندگی، عزت خود را بیشتر کرده، با شناسایی موانع عزت، تهدیدهای مسیر را مراقبت می‌کنند. البته باید توجه داشت که عزت واقعی از آن خدا و رسول و مؤمنان است (نساء: ۱۳۹؛ یونس: ۶۵؛ فاطر: ۱۰؛ منافقون: ۸) و کسی که خواهان عزت باشد و در این مسیر گام بردارد، به عزت واقعی دست می‌یابد.

عزت الاهی در گرو کتمان سر است. با توجه به آنچه مشخص شد، کتمان سر باعث عزت الاهی است و اذاعه آن ذلت به دنبال خواهد داشت. سلیمان بن خالد از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: «انکم علی دین، من کتمه اعزه الله و من اذاعه اذله الله؛ شما بر دینی هستید که هر کس پنهانش کند خدا عزیزش می‌گرداند؛ و کسی که ظاهرش کند خدا ذلیلش می‌گرداند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۲/۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲۵۷/۱). پیامد هتک سر اهل بیت (علیهم السلام)، ذلت در درگاه الاهی معرفی شده است؛ آنجا که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ان امرنا هذا مستور مفع بالمیثاق من هتکه اذله الله؛ امر ما پوشیده و در پرده عهد و پیمان است که هر کس این پرده بدرد خدا او را ذلیل گرداند» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۸/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۶/۲).

مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۲) که تأکید امام را بر این مسئله نشان می‌دهد تا جایی که هتک‌کننده سرّ، از جانب خدا ذلیل خواهد شد. در نقلی از امام کاظم علیه‌السلام آمده است کسی که راز برادر مسلمانش را پنهان بدارد، در پناه قدرت الاهی قرار می‌گیرد»^{۲۶} (عریضی، ۱۴۰۹: ۳۴۳/۱؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۱۴۱/۱).

از جمله موانعی که در مسیر عزت‌بخشی مؤمنان در جامعه ایمانی وجود دارد، هتک سرّ و غفلت در حفظ اسرار است. امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «امر ما با عهد و پیمانی پوشیده در پرده است. کسی که این پرده را بدرد خداوند او را ذلیل گرداند» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۸/۱). امام صادق علیه‌السلام خطاب به معلی نتیجه فاش‌ساختن امر اهل بیت علیهم‌السلام را ذلیل‌شدن در دنیا و مشمول عذاب الاهی شدن در آخرت بیان می‌فرماید^{۲۷} (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۴/۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲۵۵/۱؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۴۰).

• اذاعه سرّ سبب رخداد گناهان کبیره

چنان‌که بیان شد، «سرّ» به معنای عام و خاص مطرح است که در هر دو نوع، افراد باید در تحفظ آن دقت داشته باشند که در «سرّ» به معنای خاص، میزان و شدت دقت بیشتر می‌شود. گاهی ترک کتمان و تحفظ در اسرار به معنای عام، می‌تواند به گناهان کبیره متعددی منتهی شود. مثلاً در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که اگر کسی خواست مطلبی به شما بگوید و به اطراف خود نگاه کرد و بعد آن را بازگو کرد، این خود نوعی سرّ است که باید کتمان شود^{۲۸} (نهج‌الفصاحه، ح ۱۹۷، ۵۹). زیرا امری مخفی را به شما بازگو کرد و نمی‌خواست کسی از آن باخبر شود. بنابراین، می‌توان گفت در معنای عام کلمه:

۱. سرّ، امانت است و افشای آن خیانت به حساب می‌آید؛ ۲. افشای سرّ نوعی غیبت محسوب می‌شود؛ زیرا عیبی مخفی و پنهانی از فرد را بازگو می‌کنند؛ ۳. ایذای مؤمن است؛ زیرا مؤمن وقتی باخبر شود سرّ او فاش شده است، ناراحت می‌شود و ایذای او از گناهان کبیره است؛ ۴. این کار موجب رفتن آبروی مؤمن می‌شود، در حالی که آبروی انسان مانند جان و مال او است؛ ۵. این کار در میان مردم ایجاد سوءظن و بدبینی می‌کند.

قرآن مجید نیز از این معنا نهی کرده و فرموده است: «کسانی که می‌خواهند در میان مردم بدبینی‌ها اشاعه پیدا کند، برای آنها عذاب الیمی وجود دارد؛ إِنَّ الَّذِينَ يَجْهَبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْأَفْحَاشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (نور: ۱۹). یکی از

مصادیق افشای سرّ، اشاعه فحشا است.^{۲۹} از آنجایی که یکی از ریشه‌های ضعف در نگه‌داری اسرار به شتاب‌زدگی و بی‌حوصلگی برمی‌گردد، شیعه باید ظرفیت تحمل اسرار را در خود ایجاد کند و گسترش دهد. اگر هم با مخاطبانی روبه‌رو می‌شود که کم‌حوصله‌اند و شتاب‌زده عمل می‌کنند، باید در بیان خود دقت بیشتری داشته باشد و هر حرفی را برای هر فردی بازگو نکند.

• اذاعه سرّ سبب متهم شدن به غلو

در منابع روایی گاه روایاتی دیده می‌شود که برخی از صحابی ائمه علیهم‌السلام نکوهش شده‌اند، در حالی که با توجه به روایات دیگر، جایگاه خاص و تقریبشان ثابت‌شده است. مفضل بن عمر جعفری، از باب‌های ثقه و شایسته امام صادق و امام کاظم علیهم‌السلام، یکی از اینها است. در روایاتی وی به علت گرایش‌ها و افکار غلوآمیز نکوهش می‌شود که با توجه به مقام خاص وی این روایات قابل حمل بر این معنا است که مفضل به سبب شناختی که از جایگاه واقعی ائمه علیهم‌السلام داشت، گاه به هنگام تحدیث، روایاتی نقل می‌کرد که شیعیان و افراد عادی، از باور به آن عاجز بودند و قائل به آن را به غلو و عقاید انحرافی متهم می‌کردند. بسیاری از افکاری که مفضل به سبب ارائه و افشایش به غلو متهم می‌شد، اکنون جزء ضروریات مکتب شیعه محسوب می‌شود و چه بسا نفس اتهام به غلو موجب می‌شد افکار غلوآمیز غالبان حقیقی به وی نسبت داده شود و به تضعیف این صاحب سرّ دو امام همام بینجامد (جباری، ۱۳۹۳: ۴۳۹/۲-۴۴۲). نقل برخی از روایات مربوط به کرامات ائمه علیهم‌السلام و عجایب صادرشده از آنان و جایگاه رفیع معصومان علیهم‌السلام از سوی محمد بن سنان، دیگر صحابی سرّ امام صادق علیه‌السلام موجب شد برخی وی را به غلو متهم کنند (همان: ۴۴۸/۲).

نتیجه

در روایات برای کتمان سرّ اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دیده می‌شود، تا جایی که یکی از مؤلفه‌های اساسی دین برشمرده شده است.^{۳۰} محبوب‌ترین اصحاب (در کنار باتقواترین و فقیه‌ترین آنها)، کسی دانسته شده که به حفظ اسرار اهل بیت علیهم‌السلام مبادرت می‌ورزد.^{۳۱} در روایات به کتمان، امر شده و از ضایع کردن آن و نیز هتک و اذاعه اسرار نهی شده^{۳۲} و

تأکید شده است که حفظ و کتمان اسرار، عزت الاهی را به دنبال خواهد داشت.^{۳۳} عدم اذاعه اسرار شیعه همواره راهبرد فعال و اساسی ائمه علیهم‌السلام در حفظ حیات و جایگاه و پویایی تشیع در طول تاریخ حیات شیعه بوده است. گاهی هم به دلیل برخی اشتباهات که منجر به فاش شدن اسرار یا اخباری از شیعیان بوده، مشکلات و سختی بسیار به همراه داشته است. بی‌توجهی به اصل کتمان سرّ علاوه بر پیامدهای فردی، در ساحت اجتماعی نیز تأثیراتی دارد که گاه جبران‌ناپذیر است؛ چراکه آرمان‌های جامعه شیعی را هدف قرار می‌دهد و مانع گسترش شیعه می‌شود و گاه حتی ضد تبلیغ می‌گردد.

اصل کتمان سرّ و اصل تقیه، با فطرت انسانی، روش عقلّی و ادراک عقلانی، مطابقت و سازگاری دارد. به تعبیر دیگر، کمترین ضرر یا دفع ضرر بیشتر با آنچه ضرر کمتری دارد، که از نگاه عقل واجب است. چنان‌که اشاره شد، اصل کتمان در نظام اجتهادی ائمه علیهم‌السلام مصادیقی دارد که در تمامی آن به شئون متغیر انسان اجتماعی و جامعه‌شناسی معرفت توجه شده است. این توجه مایه پویایی و حیات اصول اعتقادی در گذر تاریخی جریان فکری جامعه اسلامی و بر اساس اصالت فرد و اصالت جامعه در رسیدن به کمال است. همچنین، از مجموع روایات به دست می‌آید که در این مکتب، برخی حقایق یا آموزه‌ها و حتی امور شخصی هست که باید کتمان شود و فاش کردن اسراری که باید کتمان شوند، حتی اگر محتوای آن سرّ، حقیقتی ارزنده و بلندمرتبه باشد، مذموم است؛ زیرا اشاعه‌اش سبب ضایع شدن آن یا تباه شدن مصلحتی درباره مخاطب می‌شود.

پی نوشتها

۱. «أنکم علی دین، من کتمه اعزّه الله و من اذاعه اذله الله».
۲. «إِنَّ أَمْرَنَا هَذَا مُسْتَوْرٌ مُّقْنَعٌ بِالْمِيثَاقِ مَنْ هَتَكَهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ».
۳. «السِّرُّ مَا كَتَمْتَهُ فِي نَفْسِكَ، وَ أَخْفَى مَا خَطَرَ بِبَالِكَ ثُمَّ أَنْسَيْتَهُ».
۴. «إِنَّ أَمْرَنَا هُوَ الْحَقُّ وَ حَقُّ الْحَقِّ وَ هُوَ الظَّاهِرُ وَ بَاطِنُ البَاطِنِ وَ هُوَ السِّرُّ وَ سِرُّ السِّرِّ وَ سِرُّ المُسْتَسِرِّ وَ سِرُّ مُقْنَعٌ بِالسِّرِّ».
۵. «إِنَّ أَمْرَنَا سِرٌّ فِي سِرٍّ وَ سِرٌّ مُسْتَسِرٌّ وَ سِرٌّ لَا يَفِيدُ [ه] إِلَّا سِرٌّ وَ سِرٌّ عَلَى سِرٍّ وَ سِرٌّ مُقْنَعٌ بِسِرٍّ».
۶. «كُتِبَ (رجل) إلی أبي عبد الله عليه السلام يسأله عن علم يتفَعُّ به فكتب إليه أبو عبد الله عليه السلام أما بعد فإنَّ حديثنا حديثٌ هَيُوبٌ (جبانٌ يخاف كل شيء؛ فراهيدي، ۱۴۱: ۹۸/۴) دَعُورٌ (تَدَعُرُ من الرَبِيبَةِ والكلام القبيح؛ ابن منظور، ۲۰۰۰: ۳۰۶/۴) فَإِنَّ كُنْتَ تَرَى أَنَّكَ تَحْتَمِلُهُ فَاتَّبِعْنَا وَإِلَيْنَا وَالسَّلَامُ...».
۷. «قوام الدين بأربعة: بعالم ناطق مستعمل له، ... فاذا كتم العالم علمه ... رجعت الدنيا الى ورائها القهقري، ...».
۸. «قال أمير المؤمنين: سمعت رسول الله يقول: من سئل عن علم فكنمه حيث يجب إظهاره و تزول عنه التقية جاء يوم القيامة ملجما بلجام من النار».
۹. «اذا كتم العالم العلم أهله... حلّ البلاء و عظم العقاب».
۱۰. «الا ثلاثة مجالس؛ مجلس سفك فيه دم حرام و مجلس استحلال فيه فرج حرام و مجلس استحلال مال حرام بغير حقه».
۱۱. «اذا حدث الرجل بحديث ثم التفت فهو امانة».
۱۲. «امام سجاد عليه السلام می فرماید: «انی لا کتم من علمی جواهره».
۱۳. «عن أبي بصير قال: قلت لابي عبد الله: من لنا أن يحدثنا كما كان على أمير المؤمنين يحدث أصحابه بأيامهم و تلك المعضلات؟ فقال: أما إن فيكم مثله، اولئك كان على أفواههم أوكية» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۲۶، ح ۱۸؛ و نیز: قطب الدين راوندی، ۱۳۷۸: ۵۲۵).
۱۴. «عن ابی عبد الله عليه السلام فی قول الله تعالی: «أولئك يؤتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا»، قال: بما صبروا علی التقية و یدرون بالحسنة السيئة قال: الحسنة التقية و السيئة الاذاعة».
۱۵. «مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَدْعُهُ أَعَزَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا، وَ جَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الآخِرَةِ، يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ».
۱۶. «من كتم الصعب من حديثنا جعله الله نورا بين عينيه و رزقه الله العزة في الناس».
۱۷. و در ادامه: «وَ زَادَ فِيهِ غَيْرُهُ وَ أَيَّمَا حَدِيثٍ جَاوَزَ اثْنَيْنِ فَقَدْ فَشَا».
۱۸. «قال علی بن الحسين عليه السلام: وَ دِدْتُ وَ وَالله أَنِّي افْتَدَيْتُ خَصَلَتَيْنِ فِي الشَّيْعَةِ لَنَا بَعْضُ لَحْمٍ سَاعِدِي: النَّزْقِ وَ قِلَّةِ الْكُتْمَانِ».

۱۹. «عن ابن محبوب، عن عبد الله بن سنان، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ... أي شيء أشد على قوم يزعمون أنهم يأتمون بآدمون يقوم فيأمرونهم و ينهونهم فلا يقبلون منهم، و يذيعون حديثهم عند عدوهم فيأتي عدوهم إلينا فيقولون لنا: إن قوما يقولون و يروون عنكم كذا و كذا فنحن نقول: إنا برآء ممن يقول هذا، فيقع عليهم البراءة».

۲۰. «دفع إلى كتاباً، و قال لي: «إِنَّ أَنْتَ حَدَّثْتَ بِهِ حَتَّى تَهْلِكَ بَنُو أُمِّيَّةَ، فَعَلَيْكَ لَعْنَتِي و لَعْنَةُ آبَائِي، و إِذَا أَنْتَ كَتَمْتَ مِنْهُ شَيْئاً بَعْدَ هَلاَكِ بَنِي أُمِّيَّةَ فَعَلَيْكَ لَعْنَتِي و لَعْنَةُ آبَائِي». ثُمَّ دَفَعَ إِلَيَّ كِتَاباً آخَرَ، ثُمَّ قَالَ: و هَاكِ هَذَا، فَإِنَّ حَدَّثْتَ بِشَيْءٍ مِنْهُ أَبَدًا فَعَلَيْكَ لَعْنَتِي و لَعْنَةُ آبَائِي».

۲۱. «عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: يحشر العبد يوم القيامة و ما ندى دما فيدفع إليه شبه المحجمة أو فوق ذلك فيقال له: هذا سهمك من دم فلان، فيقول: يا رب إنك لتعلم أنك قبضتني و ما سفكت دما فيقول: بلى سمعت من فلان رواية كذا و كذا، فرؤيتها عليه فنقلت حتى صارت إلى فلان الجبار فقتله عليها و هذا سهمك من دمه».

۲۲. «عن المفضل بن عمر الجعفي قال: دخلت على ابي عبد الله عليه السلام يوم صلب فيه المعلى فقلت له يا بن رسول الله الا ترى هذا الخطب الجليل الذي نزل بالشيعه في هذا اليوم! قال: و ما هو؟ قلت: معلى بن الخنيس قال: رحم الله معلى قد كنت اتوقع ذلك لانه اذاع سرنا و ليس الناصب لنا حربا باعظم مؤنة علينا من المذيع علينا سرنا».

۲۳. «إِنَّ اللَّهَ عَيْرُ قَوْمًا بِالْإِذَاعَةِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: و إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ؛ و اياكم و الاذاعه».

۲۴. «عن علي بن جعفر عن أخيه عليه السلام قال: ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم لا ظل الا ظله: رجل زوج أخاه المسلم أو أخدمه أو كتّم له سرا».

۲۵. «يَا مُعَلَّى مَنْ أَذَاعَ أَمْرَنَا و لَمْ يَكْتُمِهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا و نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، و جَعَلَهُ ظُلْمَةً تَقْوُدُهُ إِلَى النَّارِ».

۲۶. «إذا حدث الرجل بحديث ثم التفت فهو امانة».

۲۷. درس خارج فقه مكارم شيرازی مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۷، جلسه ۵.

۲۸. «أنكم على دين، من كتّمه اعزّه الله و من اذاعه اذله الله».

۲۹. «والله ان احب اصحابي الى اورعهم و افقهمهم و اکتهمهم لحديثنا و ان اسواهم عندي حالا و امقتهم للذی اذا سمع الحديث ينسب الينا و يروی عنا فلم يقبله إشمأز منه و جحدته و كفر من دان به و هو لا يدري لعل الحديث من عندنا و الينا اسند فيكون بذلك خارجا عن ولايتنا».

۳۰. «أمر الناس بخصلتين فيصعبوهما فصاروا منهنما على غير شيء: الصبر و الكتمان».

۳۱. «إِنَّ أَمْرَنَا هَذَا مُسْتَوْرٌ مُقْتَعٌ بِالْمِيثَاقِ مَنْ هَتَكَهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ».

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه (بی تا). ترجمه: محمد دشتی، قم: اوج علم، چاپ اول
- آلوسی، محمود بن عبد الله (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، تحقیق: علی عبد الباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*، قم: بی نا، چاپ اول
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتبة الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۲۰۰۰). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، الطبعة الاولى.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶). *مکاتیب الأئمة (علیهم السلام)*، قم: بی نا، چاپ اول
- احمدیان، ابراهیم (۱۳۸۵). *ترجمه نهج الفصاحه*، قم: شهاب الدین، چاپ اول
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- برقی، احمد ابن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم
- جباری، محمدرضا (۱۳۹۳). *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۷). *ولایت فقیه در حکومت اسلامی*، تهران: مؤسسه علوم و معارف اسلامی، چاپ دوم.
- الحلی، الحسن بن سلیمان (۱۴۲۱). *مختصر البصائر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الاولى.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)*، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی، الطبعة الثانية.
- الطبرسی، علی (۱۳۸۵). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف: بی نا، الطبعة الثانية.
- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۸). *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی*، تحقیق: مصطفوی، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ پنجم.
- عریضی، علی بن جعفر (۱۴۰۹). *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، محقق: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول
- علوی، محمد بن علی بن الحسن (۱۴۲۸). *المناقب (لعلوی) / الكتاب العتیق*، قم: دلیل ما، چاپ اول
- الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴). *ترتیب کتاب العین*، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامری، قم: اسوه، چاپ اول.

واکاوی کتمان سرّ در آموزه های اهل بیت علیهم السلام و پیامدهای هتک و اذاعه آن / ۱۳۹

- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۳۷۸). *جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام* (ترجمه الخرائج والجرائح)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- قمی، عباس (۱۴۱۴). *سفینه البحار*، قم: اسوه، چاپ اول.
- کشی، محمد بن عمر (بی تا). *رجال الکشی، اختیار معرفة الرجال (با تعلیقات میرداماد الأسترآبادی)*، محقق: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، محقق، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم.
- مفید، محمد ابن نعمان (۱۳۶۲). *الفصول المختارة*، محقق: علی میرشریفی، قم: کنگره شیخ مفید.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة (نحوی)*، تهران: مکتبه الإسلامية، چاپ چهارم.

References

- The Holy Quran. 2002. Translated by Naser Makarem Shirazi, Tehran: Office of Islamic History and Education Studies.
- Nahj al-Balaghah. n.d. Translated by Mohammad Dashti, Qom: Peak of Science, First Edition. [in Farsi]
- Ahmadi Miyaneji, Ali. 2005. *Makatib al-Aemah (Letters of the Imams (AS))*, Qom: n.pub, First Edition. [in Arabic]
- Ahmadiyan, Ebrahim. 2007. *Translation of Nahj al-Fasahah*, Qom: Shahab al-Din, First Edition. [in Farsi]
- Alawi, Mohammad ibn Ali ibn al-Hoseyn. 2007. *Al-Managheb (Le al-Alawi)/Al-Ketab al-Atigh*, Qom: Dalil Ma, First Edition. [in Arabic]
- Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad. 1993. *Tartib Ketab al-Ayn*, Researched by Mahdi Makhzumi, Ebrahim Sameri, Qom: Osweh, First Edition. [in Arabic]
- Al-Helli, al-Hasan ibn Soleyman. 2000. *Mokhtasar al-Basaer*, Qom: Islamic Publication Institute, First Edition. [in Arabic]
- Al-Tabarsi, Ali. 1965. *Meshkat al-Anwar fi Ghorar al-Akhbar (Niche of Lights on Selected Narrations)*, Najaf: n.pub, Second Edition.
- Al-Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 2007. *Ekhtiyar Marefah al-Rejal al-Maruf be Rejal al-Kashi*, Researched Mostafawi, Tehran: Publishing Center for Allameh Mostafavi's Works, Fifth Edition. [in Arabic]
- Alusi, Mahmud ibn Abdollah. 1994. *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani (Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven of the Oft-repeated Verses)*, Researched by Ali Abd al-Bari Atiyah, Beirut: Scientific Books Institute, Firs Edition. [in Arabic]
- Azhari, Mohammad ibn Ahmad. 2000. *Tahzib al-Loghah (Refinement of Language)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, First Edition. [in Arabic]
- Barghi, Ahmad ibn Mohammad. 1952. *Al-Mahasen (The Virtues)*, Qom: Islamic Books Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Ghotb al-Din Rawandi, Sa'id ibn Hebatollah. 2000. *Jelweh-hay Ejaz Ma'sumin (S) (Translation of al-Kharaej wa al-Jaraeh)*, Qom: Islamic Publishing Office, Second Edition. [in Arabic]

- Hashemi Khoiy, Mirza Habibollah. 1980. *Menhaj al-Bara'ah fi Sharh Nahj al-Balaghah wa Takmelah Menhaj al-Bara'ah (Khoiy)*, Tehran: Islamic Library, Fourth Edition. [in Arabic]
- Hoseyni Tehrani, Seyyed Mohammad Hoseyn. 2006. *Welayat Faghih dar Hokumat Eslami (Guardianship of Jurist in Islamic Government)*, Tehran: Institute of Islamic Sciences and Education, Second Edition. [in Farsi]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hebatollah. 1984. *Sharh Nahj al-Balaghah le Ibn Abi al-Hadid (Explanation of Nahj al-Balaghah by the Son of Abi Al-Hadid)*, Qom: n.pub, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Babewayh Qomi (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1943. *Al-Khesal (Traits)*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Babewayh Qomi (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1983. *Ma'ani al-Akhbar (Meanings of Narrations)*, Researched & Edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Fares, Ahmad. 1984. *Mojam Maghayis al-Loghah (Dictionary of Comparative Language)*, Researched by Abd al-Salam Mohammad Haron, Qom: Islamic Figures Library, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 2000. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Sader Institute, First Edition. [in Arabic]
- Jabbari, Mohammad Reza. 2015. *Sazman Wekalat wa Naghsh An dar Asr Aemah (AS) (Representative Organization & Its Role in the Time of the Imams (AS))*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Second Edition. [in Farsi]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. n.d. *Rejal al-Kashi, Ekhtiyar Marefah al-Rejal (Annotated by Mirdamad al-Estar Abadi)*, Researched by Mahdi Rajayi, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1987. *Al-Kafi*, Researched by Ali Akbar Ghaffari & Mohammad Akhundi, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Behar al-Anwar al-Jameah le Dorar Akhbar al-Aemah al-Athar (S) (Oceans of Lights, the Collection for the Pearls of Narrations of the Infallible Imams)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, Second Edition. [in Arabic]

- Majlesi, Mohammad Taghi. 1986. *Rozah al-Mottaghin fi Sharh Man La Yahzoroh al-Faghih (Garden of the Pious, the Explanation of the Book, the One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Qom: Kushanbur Islamic Cultural Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Noman. 1984. *Al-Fosul al-Mokhtarah (Selected Chapters)*, Researched by Ali Mir Sharifi, Qom: Sheikh Mofid Congress. [in Arabic]
- Orayzi, Ali ibn Jafar. 1989. *Masael Ali ibn Jafar wa Mostadrakateha*, Researched by Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage, Qom: Al al-Bayt Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Qomi, Abbas. 1993. *Safinah al-Bihar*, Qom: Osweh, First Edition. [in Arabic]
- Saffar, Mohammad ibn Hasan. 1984. *Basaer al-Darajat fi Fazael Al Mohammad (S) (Insights Degrees in the Virtues of Al Muhammad (S))*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library, Second Edition. [in Arabic]